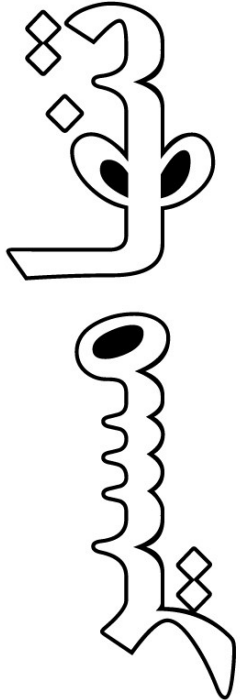




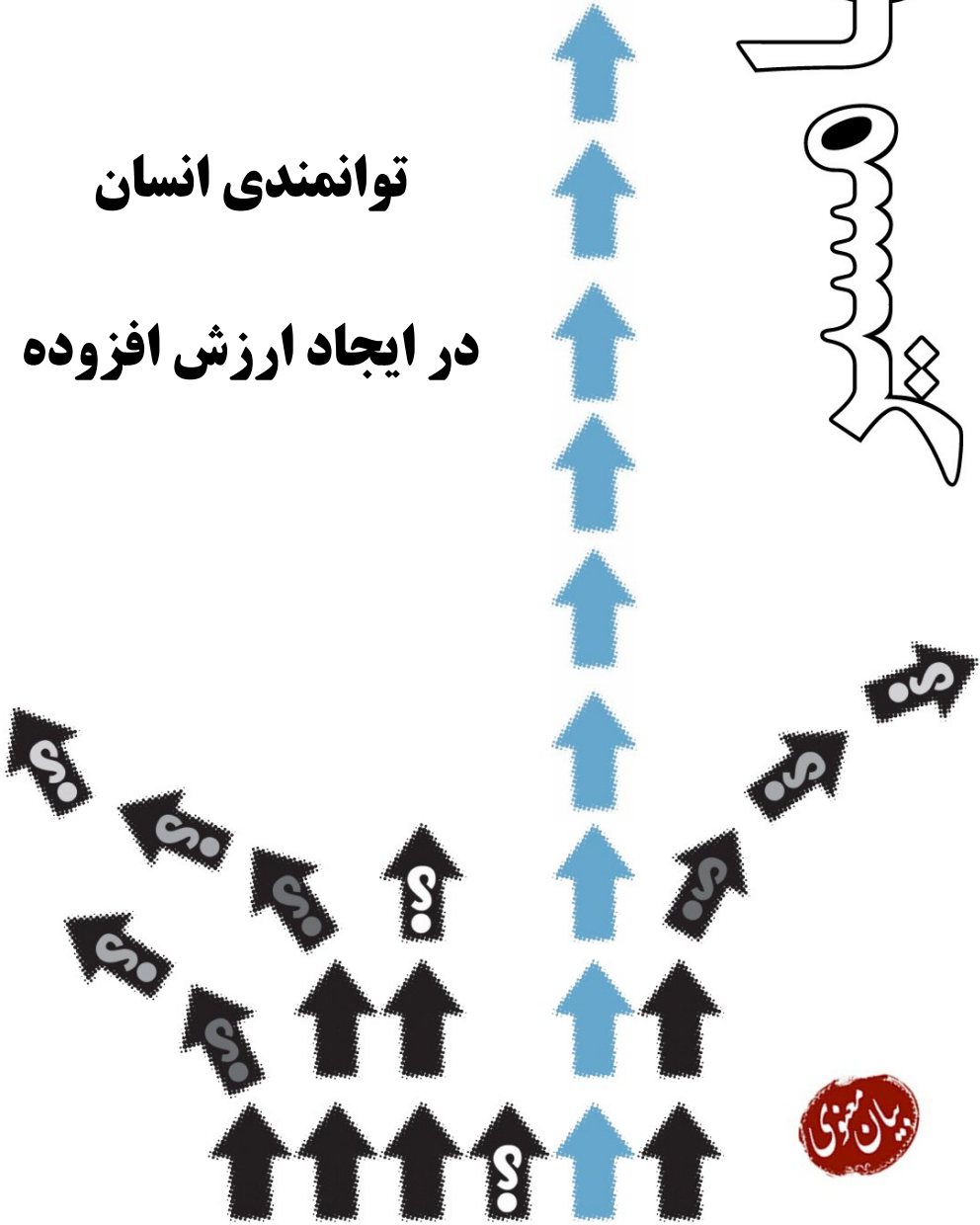
سلسله مباحث استاد
علیرضا پناهیان

راهبرد اصلی در
نظام تربیت دینی



توانمندی انسان

در ایجاد ارزش افزوده



اشاره

سلسله جلسات حجت الاسلام و المسلمین
پنجاهین در شبهای ماه مبارک رمضان ۹۲
با موضوع "تنها مسیر" (راهبرد اصلی در
نظام تربیت دینی)

در ادامه گزیده‌ای از مباحث مطرح شده در
سومین جلسه را می‌خوانید:

۱ انسان تنها موجودی است که توان ایجاد ارزش افزوده دارد. با تولید ارزش افزوده، نوع حیاطمان را در آخرت تعیین می‌کنیم.

ما برای این آفریده شده‌ایم که در خودمان تغییر و تفاوت ایجاد کنیم و از آن در جهت تولید ارزش افزوده کمک بگیریم. انسان تنها موجودی است که برای ایجاد ارزش افزوده توانمند شده است. مثلاً در حیات مادی خودش از گیاهان خشک و بلااستفاده، برخی صنایع دستی مانند سبد را درست می‌کند، که نوعی تولید ارزش افزوده است.

اما تولید ارزش افزوده در بررسی هدف نهایی و آخرت انسان، چه جایگاهی دارد؟ ما با خلق ارزش افزوده، نوع حیات خودمان را در آخرت تعیین می‌کنیم. ما در تعیین چگونگی دنیای خود تأثیر زیادی نداریم و بسیاری از امور دنیوی ما از قبل تقدیر شده است، ولی در انتخاب نوع حیات اخروی خود و کیفیت آن، اختیار و آزادی داریم و با تولید ارزش افزوده است که نوع این حیات اخروی را تعیین می‌کنیم.



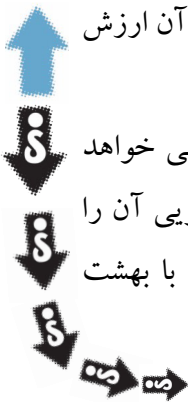
یکی از دلایل هولناک بودن روز قیامت این است که انسان می‌فهمد چه مقدار در تعیین جزئیات حیات آخرتش نقش مستقیم و مؤثر داشته است. قرار است ما با تولید ارزش افزوده در این دنیا، بر میلیاردها میلیارد سال که انتهایی ندارد و ابدی است، تأثیر مستقیم بگذاریم.

ما بیشتر دنبال حل مشکلات زندگی دنیوی خود هستیم، در حالی که "اختیار" ما برای انتخاب چگونگی حیات آخرتی ماست

خلقت ما در این دنیا برای تولید ارزش افزوده است و این ارزش افزوده، نوع حیات ما را در آخرت تعیین می‌کند. ما به اشتباه مدام دنبال حل مشکلات زندگی دنیوی خود هستیم، در حالی که اختیار ما برای انتخاب چگونگی حیاتمان در آخرت است و بسیاری از مشکلات دنیایی ما اصلاً حل نمی‌شود.

۲ حیات واقعی و اصیل، در آخرت است چرا که حیات در این دنیا همراه با ملمات است، نیمی از آن را در خواب می‌گذرانیم، گاهی حال انجام کارها را داریم و گاهی بی‌حوصله ایم؛ ولی در حیات اخروی همیشه سرحال هستیم و انرژی داریم. فلسفه حیات و خلقت انسان، تولید ارزش افزوده برای حیات اخروی است و البته پاداش و اجر گرفتن یکی از نتایج این تولید ارزش افزوده است. تولید ارزش افزوده به قدری مهم است که اگر چه ممکن است عده‌ای در این دنیا از آزادی و اختیار خود سوء استفاده کنند و دست به فساد و خرابی بزنند ولی بازهم به احترام آن ارزش افزوده، خلقت انسان این‌طور صورت گرفته است.

اگر معاد و زندگی آخرت را در نظر نداشته باشیم، همه چیز بی‌معنی خواهد بود. معاد، اصل حیات است. لازم است آن قدر معاد را مهم بدانیم که گویی آن را دیده ایم؛ چنانچه امیرالمؤمنین (علی‌ع) در خطبه متقین می‌فرماید: "آنان با بهشت



چنانند که گویی آن را دیده و در فضایش غرق نعمتند، و با عذاب جهنم چنانند که گویی آن را مشاهده نموده و در آن معدنند؛ فَهَمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهَمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَهُمْ وَالنَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهَمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ (نهج البلاغه/خطبه ۱۹۳)

چگونه می توان ارزش افزوده تولید کرد؟ آیا افزایش علم و آگاهی، ارزش افزوده تولید می کند؟

با توجه به نقش تولید ارزش افزوده در تعیین نوع زندگی اُخروی ما، این سؤال مطرح می شود که چگونه می توان ارزش افزوده تولید کرد؟ آیا علم ارزش افزوده تولید می کند؟ خیر. اگر کسی بر آگاهی های خودش بیافزاید، آیا ارزش افزوده تولید کرده است؟ خیر. افزایش معلومات و آگاهی ها، ارزش افزوده تولید نمی کند، بلکه علم و آگاهی فقط می تواند به خلق ارزش افزوده "کمک" کند.

قرآن در مورد کسانی که علم دارند ولی ارزش افزوده تولید نمی کنند، می فرماید: "مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا" (سوره جمعه/آیه ۵). پس افزایش علم و آگاهی، ارزش افزوده تولید نمی کند.

عمل تنها هم ارزش افزوده ایجاد نمی کند.

عمل صرف هم ارزش افزوده ایجاد نمی کند. مثلاً برخی از موجودات هستند که عمل مداوم دارند و خستگی ناپذیرند مانند مورچه ها، و با اینکه سخت کوشی آنها بسیار بیشتر از انسان است، اما ارزش افزوده ای تولید نمی شود. پس اصالتاً ارزش افزوده نه با علم و نه با عمل تولید می شود.

ارزش افزوده وقتی تولید می شود که انسان بر خلاف میل و دوست داشتنی هایش عمل کند

چیزی که ارزش افزوده تولید می کند و علم و عمل را هم به کار می گیرد، نوع مواجهه انسان با دوست داشتنی ها و تغییر در دوست داشتنی ها است. وقتی ارزش افزوده تولید می شود که بر خلاف میل و دوست داشتنی ها عمل شده باشد. وقتی با مقاومت در مقابل گرایش های سطحی، از آنها عبور می کنی و به گرایش های اصیل و عمیق توجه می کنی، ارزش افزوده تولید می شود و این مقاومت در مقابل گرایش های سطحی چیزی نیست جز مبارزه با نفس.

اصلاً انسان برای مبارزه با نفس و ایجاد ارزش افزوده و مقاومت و ایستادن در مقابل برخی از تمایلات خود انسان شده است.

۴ “کنار گذاشتن برخی از دوست داشتنی ها” موضوع اصلی زندگی است ”نه“ گفتن به دوست داشتنی ها باعث درک هویت انسانی است.

موضوع اصلی زندگی این است که برخی از دوست داشتنی هایت را کنار بگذاری. کنار گذاشتن برخی از دوست داشتنی ها، یک مسأله نیست که یک بار آن را حل کنی و تمام شود؛ بلکه موضوع اصلی زندگی است که هر روز و هر لحظه با آن درگیر هستیم. مبارزه با نفس را باید در جای جای زندگی و لحظه به لحظه آن دید و تشخیص داد. ”نه“ گفتن به دوست داشتنی ها باعث درک هویت انسانی است.

گاهی نه گفتن به نفس اینطور است که چیزی را دوست داری و به تو نمی دهند که باید صبر کنی و رضایت داشته باشی. گاهی هم اینطور است که چیزی را دوست داری، آن را به تو داده اند ولی نباید به آن دست بزنی که در اینجا باید اطاعت کنی.



گاهی "تکلیف" تو به دست نزدن به یک دوست داشتنی تعلق گرفته است که باید اطاعت کنی و گاهی "تقدیر" تو، به نداشتن یک دوست داشتنی تعلق گرفته است که باید رضایت داشته باشی. این اطاعت و رضایت؛ همان مبارزه با نفس را شکل می‌دهد که موضوع اصلی زندگی بشر است.

ما برای یک مبارزه دائمی با دوست داشتنی‌ها خلق شده‌ایم و این مبارزه نیاز به برنامه‌ای دارد که دین آن را ارائه کرده.

ما برای نبردی مداوم با دوست داشتنی‌ها آفریده شده‌ایم و این مبارزه نیاز به برنامه‌ای دارد که دین آن را ارائه کرده است. اهمیت مبارزه با نفس را در برخی روایات به وضوح می‌توان دید؛ حضرت علی (ع) فرمودند: "رشد نفس در مخالفت با اوست؛ فِی خِلَافِ النَّفْسِ رُشْدُهَا" (تحف العقول/ص ۹۱) و در روایت دیگری می‌فرماید: "رشد انسان در مخالفت با شهوت است؛ الرُّشْدُ فِی خِلَافِ الشَّهْوَةِ" (تحف العقول/ ۲۱۴)

همچنین از امام جواد (ع) نقل شده است که می‌فرماید: "بنده، هرگز حقیقتِ ایمان را به کمال نمی‌رساند، مگر آنکه دینش را بر هوس خود ترجیح دهد، و هرگز به هلاکت نمی‌افتد، مگر زمانی که هوس خود را بر دینش ترجیح دهد؛ لَنْ يَسْتَكْمِلَ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُؤْثِرَ دِينَهُ عَلَى شَهْوَتِهِ، وَ لَنْ يَهْلِكَ حَتَّى يُؤْثِرَ شَهْوَتَهُ عَلَى دِينِهِ" (کشف الغمّه/ج ۲/ص ۳۴۸)

خوف: تنها عاملی که ما را در مبارزه با دوست‌داشتنی‌ها کمک می‌کند.
خداوند متعال می‌فرماید: "و اما کسی که از موقعیت پروردگارش ترسیده و از هوای نفس جلوگیری کرده است، جایگاهش بهشت است؛ وَ أَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَ نَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ * فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ" (نازعات/۴۰ و ۴۱)



متأسفانه خیلی‌ها اهمیت و ضرورت ترس از خدا را نمی‌دانند و یا از کنار آیات مربوط به ترس از خدا و عذاب جهنم، به راحتی عبور می‌کنند؛ در حالی که موضوع اصلی زندگی ما مخالفت با دوست داشتنی‌ها است و تنها عاملی که ما را در مبارزه با دوست داشتنی‌ها کمک می‌کند، خوف است. ترس از جهنم و ترس از مقام ربوبی بیشترین کمک را برای مبارزه با نفس به انسان می‌رساند. در روایتی امام صادق (ع) می‌فرماید: ”هیچ چیزی غیر از خوف مؤمن را اصلاح نمی‌کند؛ الْمُؤْمِنُ لَأُصْلِحَهُ إِلَّا الْخَوْفُ“ (کافی/ج ۲/ص ۷۱)





عناوین جلسات آینده :

- عموماً نگاه مردم به ”خوب بودن، هدف خلقت“ نگاه درستی نیست!
- مبارزه با هوای نفس، محور اصلی همه دستورات دین است.
- فرزندان خود را طوری تربیت کنیم که پذیرای دردها و رنج‌ها باشند.
- هر چهل روز، یک رنج و بلایی به مؤمن می‌رسد.
- انتخاب نوع رنج؛ تنها راه پیش پای انسان!
- رنج خوب عامل شکوفایی است .



وارثین؛ مرکز تولید و توزیع محصولات جبهه ی فرهنگی انقلاب اسلامی؛

دزفول، خیابان امام خمینی شمالی، کوچه ی شهدا، روبروی مسجد لب خندق،

تلفن: ۰۹۱۶۸۲۳۰۹۷۴

